

تهدید خارجی _ سرمایه اجتماعی _ وظیفه ما

در گذر چند هفته اخیر موضوعاتی سهوا یا عمدا در اخبار کمرنگ یا بی رنگ انعکاس یافت. عناوین بعضی خبرها آنطور انتخاب شده بود که بستری برای مداخلات خارجی و شاید بمباران مراکز کلیدی میهنمان ایجاد گردد. قفل شدن پرونده اصلاحات از بالا، نیز مزید بر علتی بود که نگارنده چند کلامی با هموطنان در میان گذارد.

همانطور که در هفته های اخیر ملاحظه نمودید، باردیگر ایران به داشتن سایتهای غیرمجاز اتمی متهم شد. نگارنده معتقد است، مسئولان ذیربط در سازمان ملل متحد میبایستی همه پروژهای اتمی در سراسر جهان تحت کنترل داشته باشند. تا از آن صرفا در جهت صلح و توسعه کل جامعه بشری استفاده گردد. و در این راستا همه کشورها دارای حق یکسان میباشند.

هموطنان بهتر از نگارنده به نقش انرژی در حیات و تکوین و توسعه یک ملت واقف میباشند. لذا با ابراز تاسف و محکوم کردن اقدام غیرمسئولانه کسانی که زمینه چینی برای از بین بردن سرمایه استراتژیک کشور را کرده اند، عاجلا بایستی با بمباران سایتهای پروژه های انرژی هسته ای که با سرمایه های ملت ایران به پیش میروند مخالفت نمود.

مذاکرات سه جانبه کشورهای شمال حوزه دریاچه خزر خبر دیگر بود. گویا صاحبان قدرت با سکوت همانند داستان تلخ سه جزیره خلیج فارس می خواهند خود را درگیر نسازند. حاکمیت نه تنها در حل مسائل داخلی در بحران بسر میبرد، بلکه در وارد شدن به پرونده حقوقی موارد مورد اشاره نیز علی رغم وجود کارشناسان میهن دوست و مجرب در امور روابط بین المللی سرباز میزند. دستگاه دولت که خود را برگزیده اکثریت بالای مردم میداند،

کوچکترین توجه ای به تذکرات پیش کسوتان جبهه ملی
_ نهضت آزادی ایران و نیروهای مستقل ملی و مذهبی
نموده است. فقر، فحشا، اعتیاد، بیداد می کند. فاصله
طبقات دارا و ندار سیر صعودی می پیماید. فساد مالی
در همه سطوح اجتماع سایه گسترانیده است.
از اعتماد عمومی جامعه اثری نمیتوان یافت.
در یک کلام سرمایه اجتماعی به قهقرا سقوط میکند.
در این چالش ملی علی رغم وجود خیل عظیم ایرانیان
تحصیل کرده با گرایشات فکری گوناگون در خارج از کشور،
به دلیل نقش انفعالی و تکروری گروههای سنتی
و عدم علاقه به کار تشکیلاتی سالم و پی گیر،
توسط نیروهای جوان، کار جدی از بیرون نمیتوان انتظار داشت.
آوردن هرچندگاه امضاهای الکترونیکی بر روی صفحه های
اینترنت و یا گپ زدن از اتحادهای خیالی دردی را درمان
نکرده است.

جنبش دانشجویی در چندسال اخیر گامهای موثری را برداشته
است. حاکمیت در رویارویی با این جنبش جوان به ضدحمله های
متفاوتی دست یازیده است.

با دستگیری و به زندان انداختن و درموردی به نمایشات
تلویزیونی کشاندن تئوریسینهای تفکر کثرت گرایی، رابطه لازم سر و
دست جنبش را ضعیف یا فلج نمود.

با سرکوب نظامی عریان و به صحنه آوردن عناصر موسوم به
لباس شخصی از ریشه یابی جنبش در لایه های مختلف اجتماع
به مقدار زیادی کاست.

با بی خاصیت کردن نهادهای به اصطلاح قانونی همچون مجلس و
دولت در پیش برد اصلاحات مورد قبول عناصر درون نظام، عملاً
سایه یاس را بر جامعه افکند.
از طرف دیگر هنوز

نه آقای رییس جمهور منتخب دوم خرداد

و نه مجلس اصلاحات از حقوق برسمیت شناخته شده در

همین قانون اساسی حافظان نظام مبنی بر حق اجرای طرح

همه پرسی و بازنگری قانون اساسی خواسته اند استفاده بکنند.

استعمار کهنه و نو در این آشفته بازار طبق معمول همیشه با دندانهای تیز اما در لباس میش به میدان آمده اند و میخواهند بر ما منت گذارند و از روی خیرخواهی و بزرگی و نه برای نفت و گاز و بازار هفتاد میلیونی !!! نیمه شاهی را بر پشتمان سوار نمایند. دریغا در نبود حافظه تاریخی بر روی نسل سوم یعنی متولدین پس از انقلاب ضد سلطنتی حسابی حساب باز کرده اند. چه باید کرد؟

ظاهر قضایا تا بدینجا مایوس کننده مینمایاند. نگارنده معتقد است تاریخ ملتی که در آن فراهانی، امیرکبیر، مصدق، سحابی، بازرگان، شریعتی، طالقانی...، سدشکنی کردند و طرح های نوینی ارائه دادند بدرستی گواه این حکم است که استقلال و آزادی گرفتنی هستند و نه دادنی. اگر:

جنبش دانشجویی خود را به عمق لایه های اجتماعی _ محله، کارخانه، مدرسه، اداره _ ببرد و نهادهای کوچک صنفی _ سیاسی _ اجتماعی را تاسیس کند و از طرف دیگر اعتراضات متفرق مردمی را به هم گره بزند، صاحبان زور و زر و تزویر را وادار به عقب نشینی خواهند کرد. شایان توجه اینکه ویژگی بازتکثیری اینگونه فعالیتها برد موثر زمانی و مکانی آن را بصورت تصاعدی افزایش خواهد داد. اگر:

پیش کسوتان ملی مخاطبانشان را نه در هیئت حاکمه بلکه در میان توده مایوس بجویند و واقعیت چهره استعمارگران را برای نسل سوم روشن نمایند، زمینه برای احیاء اعتماد ملی فراهم خواهد گشت. اگر:

ایرانیان آزادیخواه و استقلال طلب و عدالت جوی خارج از کشور در جهت حمایت از نهادهای جنبش داخل و ایجاد پل برای انعکاس فعالیتهای آنها در سطح افکار عمومی بین المللی مسئولانه و پی گیر بپاخیزند، بدون شک مستبدین حاکم مجبور به خوردن زهر فروپاشی خواهند شد و استعمارگران به رای آگاهانه جمهور ایرانزمین تکمیل خواهند کرد. برای ممکن کردن آن لحظه مسرور با تمامی توانمان بکوشیم.

محسنی

